خبـــر

تمرین ادب، اولین مرحله از فراگیری مهارت مبارزه با نفس در کودکان

از هفت سالگی، زندگی کودکان در خانه باید توأم با نظم و مقررات باشد

هگمتانـــه، گروه ســـبک زندگی: حجت الاســـلام پناهیان گفت: مبارزه با نفس به معنای پاســـخ منفی به برخی دل‌بخواهی‌ها و خواســـته‌های نابجای نفس است و اولین مراحل آن در کودکی با فراگیری حیاء و ادب آغاز می‌شود. حیاء نوعی خودداری است.

یکـــی از روش‌های تبلیغ دینی، ســـخنرانی و جلســـات وعظ است که بر اســـاس آداب و رسوم فرهنگ دینی ما در مراسم مذهبی سخنران اقدام به ایراد ســـخن درباره موضوعـــی خاص می‌کنند یکـــی از ســـخنرانان مطـــرح کشـــورمان حجت الاسلام پناهیان اســـت که در میان قشر تحصیل کرده جایـــگاه خوبی دارد مناســـب دیدم در این شماره از صفحه ســـبک زندگی به نکاتی از یکی از ســـخنرانی‌های او بپردازم کـــه به بحث تربیت کودکان می‌پردازد.

مبـــارزه با نفس بـــه معنای پاســـخ منفی به برخی دل‌بخواهی‌ها و خواســـته‌های نابجای نفس اســـت و اولین مراحل آن در کودکی با فراگیری حیاء و ادب آغاز می‌شـــود. حیاء نوعی خودداری اســـت، و ادب برنامه‌ای مســـتمر است که شامل یک سلســـله مقـــررات و احتـــرام بـــه اطرافیان اســـت. رســـول خدا(ص) درباره حیا می‌فرمایند: الحیـــاءُ هُـــو الدِّیـــنُ کُلُّهُ(کنزالعمـــال/۵۷۶۱) و «الحیـــاءُ مِفْتـــاحُ کُلِّ الخَیرِ»(غررالحکـــم/۳۴۰) امیرالمؤمنیـــن(ع) می‌فرمایند: «حیاء انســـان را از هر زشـــتی باز می‌دارد؛ الحیاءُ یَصُـــدُّ عَنْ فِعْلِ القَبیحِ»(غررالحکم/۱۳۹۳)

حیـــا را شـــاید بتـــوان حداقل مبـــارزه با نفس دانست که اگر کســـی از آن محروم بود، در او هیچ امید و خیری نیســـت. در روایات متعدد از رســـول خدا(ص) آمده است که فرمودند: از ضرب‌المثل‌های پیامبران(ع)، جز این ســـخن مردم بر جای نمانده است: اگر حیا نداشـــتی، دیگر هر کاری می‌خواهی بکن. (یعنی دیگر به خیر تو امیدی نیست)؛ لَمْ یَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الأَنْبِیَاءِ ع إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْـــتَحْیِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ»(عیون اخبار الرضا/۵۶/۲)

ادب را هـــم باید اولین برنامـــه مبارزه با نفس دانســـت که در صورت پایبندی بـــه آن، موجب اصلاح انسان می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «ادب خوب، عامل تزکیهٔ اخلاق اســـت؛ ســـبَبُ تزکیهِ الأخلاقِ حُسنُ الأدبِ»(غررالحکم/۵۵۲۰) و نیز می‌فرماید: بهتریـــن چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب اســـت؛ خیرُ ما وَرَّثَ الآباءُ الأبناءَ الأدبُ»(غررالحکم/۵۰۳۶) ادب نیز مانند مبارزه با نفس و تقوا، از جنس اجتناب و خویشتنداری است: «کَفاکَ أدبا لنفسِکَ اجتنابُ ما تَکرَهُهُ مِـــن غیرِکَ»(نهج البلاغه/حکمت۴۱۲) و در جای دیگـــر نیز امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «خویشتنداری(ایســـتادن در برابـــر خواهـــش نفـــس) در بیـــم و امیـــد، از برترین ادبهاســـت؛ ضَبْـــطُ النَّفْسِ عِنـــدَ الرَّغَبِ و الرَّهَـــبِ مِن أفضلِ الأدبِ»(غررالحکم/۵۹۳۲)

با توجه به روایات، اولین دورهٔ آموزشی مبارزه با نفس برای فرزندان از ســـن ۷ سالگی آغاز می‌شود. پدر و مادر از سن هفت سالگی باید رعایت «ادب» را به فرزندان خود آموزش بدهند تا بچه‌ها اصل مبارزه با هوای نفس را درک کرده و بدانند که باید با «دلم می‌خواهد»های نابجای خودشان مبارزه کنند. طبق دســـتور اســـلام، ادب و نظم را از ۷ تا ۱۴سالگی و در خانـــواده باید یاد گرفت، نه از ۱۸ ســـالگی و در سربازی که امروزه برخی پسرها تنها در طول خدمت سربازی رعایت نظم و برخی آداب را تمرین می‌کنند؛ ۱۸ ســـالگی برای این منظور خیلی دیر است. (قَالَ الصَّادِقُ ع: دَعِ ابْنَکَ یَلْعَبُ سَبْعَ سِنِینَ وَ یُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِینَ وَ أَلْزِمْهُ نَفْسَکَ سَبْعَ سِنِینَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَیْرَ فِیهِ؛ من‌لایحضره‌الفقیه/۳/ ۴۹۲) و (قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع: یُرَبَّی الصَّبِیُّ سَبْعاً وَ یُؤَدَّبُ سَبْعاً وَ یُسْتَخْدَمُ سَبْعاً؛ من‌لایحضره‌الفقیه/۳/ ۴۹۳)

بر اســـاس روایات، بچه از ۷ تا ۱۴ سالگی باید مانند یک عبد در مقابل اربـــاب قرار بگیرد(الْوَلَدُ سَیِّدٌ سَبْعَ سِـــنِینَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِینَ وَ وَزِیرٌ سَبْعَ سِنِینَ؛ وسائل الشیعهٔ/۴۷۶/۲۱) البته پدر و مادر مانند یک ارباب مهربان هستند و دستوراتشان را بـــا نرمش و مهربانی به بچـــه می‌گویند، ولی بچه باید همان‌طور که یک ســـرباز از فرماندهٔ خودش اطاعـــت می‌کند، از آنها اطاعت کند. در این هفت ســـال زندگی کودک باید توام بـــا نظم و مقررات (و از این لحاظ تا حدودی شـــبیه پادگان) باشد، تـــا بچه در این محیط، رعایـــت نظم و ادب را یاد بگیرد. بچه باید کارهایی مثل مرتب کردن وسایل شخصی و محل زندگی، رعایت وقت خواب و بیدار شـــدن، احترام به بزرگتر و خیلـــی از آداب را در این ســـال‌ها رعایت کند تا بفهمـــد که دنیا جای راحت‌طلبی و بی‌مبالاتی نیست.

پدر و مادرها نباید از سر دلسوزی‌های بی‌جا و به خاطر اینکه رعایت کردن این آداب، برای فرزندشان کمی سخت است، او را از این کارها معاف کنند. باید بدانند که این ســـختی‌ها در ذات زندگی دنیا وجود دارد و این مخالفت با هوای نفس برای رشد و تربیت فرزندشان لازم و ضروری است.

البته آموختن مقررات و الـــزام کودکان به نظم باید توام با مهربانی و نشاط باشد. و برای اینکه نظم پذیری برای فرزندان آسان شود باید پدر و مادر خود در این زمینه الگو باشند.

بررسی اثرات نظریه لیبرالیسم در حوزه خانواده

بخش اول

هگمتانه، گروه ســـبک زندگی: لیبرالیسم به عنوان نظریه سیاسی مبتنی بر اصل محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی است. بر اساس اصول لیبرالیسم انســـان موجودی مختار است که می‌تواند طبق آرا خـــود زندگی کند. از این رو، لیبرالیســـم در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی از جمله خانواده وارد شـــده است تا افراد بتوانند از این آزادی در تصمیم‌گیری‌های خود برخوردار شـــوند. لیبرالیسم با ورود خود به دو حوزه روابط جنســـی و تولید مثل باعث دگرگونی مفاهیمی چون خانواده و ازدواج شده است. این تئوری با گسترش روابط جنسی آزاد و قانونی شمردن هم‌خانگی یا همزیستی مشترک و همجنس‌بازی باعث شکل‌گیری انواع جدیدی از خانواده‌ها در غرب شـــده که کارایی خانواده ناشـــی از ازدواج رسمی را ندارند.هم‌چنین، این نظریه مفهوم ازدواج را کـــه در قوانین غربی با عنوان زندگی مشترک میان زن و مرد بود، تغییر داد و دامنه آن را گسترده نمود. از سوی دیگر، به جهت توســـعه حق آزادی تولید مثل، باعث گسترش سقط جنین و فرزندکشی در غرب شد که غالب این فرزندان نتیجه روابط آزاد جنسی بودند. پس از این‌که آمار و ارقام سقط بالا رفت، این نظام حقوقی تولد ناشـــناس را به رسمیت شـــناخت تا بدین ترتیب دریچه‌ای دیگر برای فرار والدین از مسؤولیت‌های والدینی باز شود. همچنین در اثر به رسمیت شناختن حق آزادی تولید مثل و بحث مالکیت بر بدن، خرید و فروش گامت انسانی توسعه و استفاده از انواع روش‌های کمک باروری نیز گسترش یافت که این روش‌ها نیز پیامدهای خاص خود را داراست از جمله گم شـــدن هویت کودک که اثرات روحی و روانی مخربی بر کودک مذکور دارد.

پژوهش حاضر درصدد پاســـخگویی به این ســـوأل اســـت که تئوری سیاسی لیبرالیســـم چه اثراتی را بر خانواده در جوامع غربی داشـــته است؟ تالی فاسدهای اجرای ایـــن نظریه در غرب در حـــوزه خانواده تا چه حد بوده است؟ آیا راهکارهای اسلام در حوزه خانواده نیز تالی فاســـدهای تئوری لیبرالیسم را دارد یا خیر؟ این پژوهش به روش اســـنادی و با اســـتفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی صـــورت یافته و بر فرضیه‌های زیر مبتنی اســـت: تئوری لیبرالیسم با راهکارهای خود در جهت آزادی افراد گام برداشـــته، اما همزمان خانواده را مضمحل نموده اســـت. تالی فاسدهای بسیاری برای این نظریـــه در خانواده وجود دارد کـــه به تفصیل در مقاله ارائه خواهد شد. باید دانست که اسلام به گونه‌ای مناســـب تزاحم میان حقوق والدیـــن و کودک را حل نموده است تا در این میان، حق کسی پایمال نگردد.

نمود لیبرالیسم در حوزه خانواده

۲-۱- لیبرالیســـم جنســـی: یکـــی از بزرگ‌ترین داعیه‌هـــای نظام‌های لیبرال، لیبـــرال دموکرات ایجاد برابری و آزادی از هر گونه دخالت‌های دیگران اســـت. ایـــن امر تا حدی پیش می‌رود کـــه در جوامع لیبرال دموکرات شاهد آزادی روابط زن و مرد و حتی اختلاط آزادی جنســـی آنان در مدارس و باشـــگاه‌ها هستیم. این روابط آزاد جنســـی بستری برای رشد و گسترش تمایلات جنســـی اســـت کـــه در نهایـــت پیامدهایی همچون موالید ناخواسته، سقط جنین، سستی بنیان خانـــواده، خانواده‌های تک‌والدینـــی، هم‌جنس‌گرایی، تولد ناشـــناس، روسپی‌گری و خودفروشی، هم‌خانگی، تأخیر در ســـن ازدواج و عدم تشـــکیل خانواده و انواع بیماری‌هـــای مقاربتی را به همـــراه می‌آورد (هاجری، ۱۳۸۲، ص۵۵-۵۶).

۲-۱-۱- مصادیق لیبرالیســـم جنســـی در قوانین خانواده کشورهای غربی

الف- روابط آزاد جنسی: انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ و دهـــه ۱۹۷۰ در آمریـــکا، تغییرات عمـــده‌ای را در حوزه‌های علمی، فرهنگی، ادبیات، پزشکی و سیاسی ایجاد نمود. این عقیده و رویکرد (انقلاب جنسی) ادامه یافت تا آن‌که فرهنگ آمریکا شـــد. بـــا این‌که امروزه در آمریکا، به جای عشـــق آزاد (free love)، روابط جنسی امن (safe sex) را توصیه می‌کنند، اما مردم همچنان هر آن‌چه که دوســـت دارند، انجام می‌دهند. نتیجـــه این رویه، کودکان ناشـــی از زنا و نامشـــروع، بیماری‌های مقاربتی، ســـقط جنین، پرنوگرافی و ایدز است (Hsu Yu, ۲۰۰۰, p ۲۲۳-۲۲۴). باید دانست که تقسیم‌بندی والدین به دو گروه والدین اجتماعی و والدین بیولوژیک نتیجه قانونی شدن فرزند خواندگی نیســـت، بلکه نتیجه عملکرد والدین طبیعی در به دنیا آوردن و رها کردن کودکان یا عوامل طبیعی هم‌چون مرگ والدیـــن طبیعی اســـت (gabriele, ۲۰۰۶, p۱۷۹). بنابراین، از آثار ســـوء روابط آزاد و نا مشروع، وجود فرزندانی است که هیچ-کس سرپرستی آن‌ها را به عهده نمی‌گیرد، به همین‌جهت در قوانین انگلستان، تدابیری برای حل این مســـأله صورت گرفته است، از جمله شناســـایی مفهومـــی چون والدیـــن اجتماعی که دامنه گســـترده‌ای را از قیمومیت، فرزندخواندگی، خویشاوندان و... را شامل می‌شود (Herring, ۲۰۰۹, p۳۴۰-۳۵۷).

بـــر اســـاس گـــزارش «رفتـــار جنســـی در میان دانش‌آموزان دبیرســـتانی» که در آمریکا انجام شـــده است. ســـابقه روابط جنســـی در میان سفیدپوستان آمریکایی زن ۱۳ درصد و سفیدپوستان مرد ۴۲ درصد است و در میان زنان و مردان اسپانیایی، به ترتیب ۱۰ و ۴۰ درصد و در میان سیاه‌پوســـتان زن ۳۲ درصد و سیاه‌پوستان مرد ۸۲ درصد است.

همچنین آمار شـــرکای جنسی میان این نوجوانان نیز قابل توجه است. آمار تعداد شرکای جنسی سه نفر در یک سال نیز، در میان سفیدپوستان زن ۱۱ درصد و سفیدپوستان مرد ۴۱ درصد و در میان زنان و مردان اســـپانیایی، به ترتیب ۱۴ و ۴۳ درصد و سیاه‌پوستان زن و مرد، به ترتیب ۲۲ و ۶۴ درصد است (Hager, ۲۰۰۰, p ۲۰۸).

عـــلاوه بر این، باید اذعان نمود که روابط جنســـی آزاد در آمریکا مســـائل و مشـــکلات زیـــادی را به بار آورده اســـت، از جمله موارد زیر کـــه به طور خلاصه ارائه می‌شود:

• حداقـــل ۱۵ درصـــد زنـــان نابـــارور بـــه خاطر بیماری‌های مقاربتی جنسی قادر به دنیا آوردن فرزند نیستند. بیماری‌های مقاربتی جنسی یکی از مهم‌ترین عوامل ناباروری اســـت. این در حالی است که بعضی از برنامه‌های مربوط بـــه IVF بدون افزایش بیماری‌های مقاربتی جنســـی ممکن اســـت از نظر اقتصادی دوام نداشته باشند.

• مطالعـــات اخیر چاپ شـــده در مجله پزشـــکی نیوانگلند نشان می‌دهد که ۴۵/۹ درصد از آفریقایی-آمریکایی‌هایی بالای سن ۱۱ ســـال مبتلا به بیماری تبخال دستگاه تناسلی هستند. علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهد که در طول یک دوره ۳ساله، ۶۰ درصد از دختران مشـــغول بـــه تحصیل در دبیرســـتان‌های مختلط که دارای روابط جنســـی آزاد بودند، آلوده به ویروس تبخال دستگاه تناسلی می‌باشند. این بیماری سبب بیش از ۹۳ درصد از لکه‌های پستان غیر معمول و ســـرطان گردن در آمریکا می‌شود. آمار مرگ و میر آمریکایی‌ها در اثر ایدز برابر اســـت با آمار مرگ و میر آنان در جنگ جهانـــی دوم که بیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

• ۲۰ درصد نوجوانان دارای روابط آزاد جنســـی به طور معمول در هر سال به یک بیماری جدید مقاربتی مبتلا می-شوند. علاوه بر این موارد، از زاویه‌ای دیگر، مسأله دیگر، نوجوانان دختری هستند که بدون ازدواج مادر شـــده‌اند. آنان و کودکانشان برای جامعه مسایل بســـیاری را به دنبال داشـــته‌اند. علاوه بر مشـــکلات جســـمی و روانی این مســـأله می‌توان به مسائل ذیل هم اشاره کرد:

• از هر ۱۰ دختر نوجوانی که به طور نامشروع مادر شده است، هفت تن از مدرسه اخراج می‌شوند.

• درآمد مردان نوجوان که به صورت نامشروع پدر شده‌اند، با کاهش روبرو شده است.

• پســـران مادران نوجوان۲/۷ بار بیش‌تر از پسران مادرانی که در سن ۲۰ سالگی فرزندان خود را به دنیا آورده‌اند، علاقه به ســـپری کردن عمر خود در زندان را دارند.

• بیماری‌های مقاربتی در آمریکا به حد خطرناکی رسیده است. نوجوانان در محدوده سنی ۱۰تا ۱۹ سال و جوانان در محدوده ســـنی ۲۰ تا ۲۴ ســـال بیش‌تر مبتلایان به بیماری مقاربتی را نســـبت به افراد بالای ۲۵ سال تشکیل می‌دهند.۱۰ درصد مبتلایان به ایدز در آمریکا نوجوانان هســـتند و در ۲۵ درصد این گروه سنی، این بیماری تشخیص داده شده است (Adam, ۲۰۰۰, p ۲۳۰).

ب- همجنس‌بازی: همجنس‌بازی را تمایل جنسی و عاطفـــی مرد به مرد یـــا زن بـــه زن جهت ارضای تمایلات جنسی می‌نامند (شامبیاتی،۱۳۸۰، ص۶۸). در واقـــع شـــیوه روابط آزاد و تعـــدد آن از علل عمده پدیده واخوردگی جنســـی و گرایش به همجنس‌بازی در کشـــورهای صنعتی به شـــمار می‌آیـــد (هاجری، ۱۳۸۲، ص۸۱). اصطـــلاح همجنس‌خواهـــی در دهه ۱۸۶۰ ابـــداع گردیـــد و از آن پس همجنس‌خواهان و پیش از پیـــش به عنوان نوع جداگانـــه‌ای از افراد که دارای انحراف جنســـی خاصی هستند، در نظر گرفته شـــدند. کاربرد اصطلاح زن همجنس‌خواه اندکی بعد از این زمان آغاز می-گردد. مجازات مرگ در امریکا و اروپا در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ برای این اعمال لغـــو گردید (گیدنز، ۱۳۸۶، ص۲۲۵) که در نهایت در سال ۱۹۵۵ مؤسسه حقوقی آمریکا پیش‌نویس قانون جزای مدل را منتشر ساخت و پیشنهاد نمود که تمام روابـــط رضایت‌مندانه میان اشـــخاص بالغ در خلوت شخصی آنان باید از شمول قوانین کیفری خارج شود. مبنای این نظریه آن بود که افعال غیر متعارف جنسی که در خلوت بین اشخاص بالغ انجام می‌شود و آسیبی بـــه منافع عمومی جامعه وارد نمی‌کند و این مســـأله اساسی مطرح است که هر فرد از حق حمایت در برابر دخالت دولت در رفتارهای خصوصی‌اش که آســـیبی به دیگری نمی‌رســـاند، برخوردار اســـت. این پیشنهاد توســـط کمیته مشورتی مؤسســـه تصویب شد. اما در شـــورای کمیته با اکثریت آرا رد شد. بنابراین موضوع به اجلاس سالانه مؤسســـه در واشنگتن ارجاع گردید و این پیشـــنهاد پس از سخنان لرنید هند در حمایت از آن و مذاکرات داغ و پرشـــور با اکثریت آرا پذیرفته شـــد (هـــارت، ۱۳۸۸، ص۴۴-۴۵). هم‌جنس‌بازان در آمریـــکا از نظر قانونی، موقعیتـــی هم‌چون هم‌خانگان غیرهم‌جنس دارند. تنها تفاوتی که این دو گروه با هم دارند، این است که هم‌خانگان غیر هم‌جنس می‌توانند هم‌زیســـتی خود را قانونی نماینـــد. اما هم‌جنس‌بازان نمی‌تواننـــد چنین کاری کنند. انقلاب جنســـی باعث بســـیاری از تغییرات اجتماعی شده است. یکی از این تغییرات، گشودن حریم‌های خصوصی و مخفی است. تیتر روزنامه‌ها نشـــان می‌دهد که هم‌جنس‌بازان مرد تمایل دارند که علاوه بر پذیرش اجتماعی، از حقوقی برابـــر و هم‌چنین حق ازدواج، برخوردار شـــوند. البته باید دانســـت هنوز جامعه کاملاً آماده پذیرش این نظر نیست. این حرکت آزادسازی روابط هم‌جنس خواهان مرد در ســـال ۱۹۶۹ از نیویورک آغاز شد. پس از این بود حرکت‌های خواستار حقوق از سوی این گروه شکل گرفت و مبارزات علیه ســـاختارهای سنتی اجتماعی کـــه آنان را از حقوق بســـیاری محروم می‌کرد و آن‌ها را ســـرزنش می‌کند، آغاز شـــد. برای اولین بار، ایالت ماساچوســـت ازدواج هم‌جنس‌گرایان را قانونی نموده است (Luppino and others, ۲۰۰۸, p ۱۷۶). در قوانین ایالت ورمونت نیز تغییرات مشابهی به اجرا درآمد که محدودیت ازدواج میان غیرهم‌جنس‌گرایان را برداشت و منافع مشابهی (هم‌چون زوجین مزدوج) بـــرای آنان در نظر گرفتنـــد (Sanford, ۲۰۰۳, p ۲۱). پس از این، دیگر ایالت‌ها، نیز بر اساس تغییرات قانونی ایالت ورمونت، دست به ایجاد تغییر در قوانین خـــود زدند تا ازدواج هم-جنس‌گرایان را به رســـمیت بشناســـد (Ibid, p۲۲). در قانـــون ثبـــت هم‌خانگی کالیفرنیا نیز به دو مورد اشـــاره شـــده است: زوجین هم‌جنس باز نباید نســـبت خونی باهم داشـــته باشند و آن کســـی که هر دو توافق کردنـــد، باید هزینه‌های زندگی را در طول زندگی به عهده بگیرد. علاوه بر این، در این قوانین، سایر حقوق نیز برای این گروه در نظر گرفته شده است (Ibid, p ۲۰).

طبـــق قوانین خانـــواده در انگلســـتان، زن و مرد هم‌زیســـت باید قراردادی داشـــته باشـــند کـــه امور مربوط بـــه آنـــان را مدیریت نماید. این امور شـــامل موارد چـــون التزام‌های مادی، حـــق مالکیت، تکالیف والدینی، حفاظت در برابر خشونت خانگی، حق خاتمه دادن روابط، حق و پذیرش فرزندخواندگی می‌باشـــد (standly, ۲۰۰۱, p ۴۵-۴۷)).

در انگلســـتان طبق قانون هم‌زیســـتی مشـــترک مدنی مصوب ســـال ۲۰۰۴، زوجین هم‌جنس‌گرا هم می‌توانند به صـــورت قانونی اعـــلام هماهنگی مدنی نمایند. هنگامی که این اعلام رســـمی و قانونی صورت گرفت، این زوجین از حقوق قانونی برخوردار می‌شوند و تکالیفـــی را نیـــز بـــر دوش زوجین قـــرار می‌گیرد. بســـیاری از این حقوق و تکالیف شباهت‌های بسیاری به حقـــوق و تکالیف زوجیـــن در ازدواج دارد (p ۸۵ , ۲۰۱۱, Sendall& Herring, ۲۰۰۹, p ۶۷). قانـــون فوق‌الذکر، بعضی از موارد خـــاص را به قوانین دیگر الحاق نموده اســـت، از جمله این‌که بر اســـاس قانون کـــودکان مصوب ۱۹۸۹ و قانون فرزندخواندگی و کودکان مصوب ۲۰۰۲، هر شـــریک جنسی می‌تواند مســـؤولیت‌ها و تکالیف والدینی را بـــه عهده بگیرد و تعریف «کـــودک در خانواده» در خانواده‌های ناشـــی از هم‌زیستی مشـــترک هم‌چون خانواده‌های ناشی از ازدواج اســـت (p ۸۵ , ۲۰۱۱, Sendall). عـــلاوه بـــر این، این قانون با اعمـــال اصلاحاتی در قانون‌های دیگر، حقوق دیگری نیز برای آنان در نظر گرفته است (Ibid).

همچنیـــن، از ســـال ۱۹۹۸ در هلنـــد زوجیـــن هم‌جنس‌گرا توانســـتند با یک درخواســـت به دادگاه، عنوان والدینی را کسب کنند و طرفی که والد نیست، می‌تواند توسط این درخواســـت با طرف دیگر در این حق مشـــارکت نماید (قانون مدنـــی هلند، بخش ۱، ماده ۲۵۳). این قانون پس از به رســـمیت شـــناختن ازدواج هم‌جنس‌گرایـــان در ۱ آوریل ۲۰۰۱ در هلند به هم‌جنس‌بازان اعطاء شد (Vonk, ۲۰۰۴, p۱۰۵).

بنابرایـــن، در بســـیاری از کشـــورهایی کـــه هم‌جنس‌بـــازی را جرم‌زدایی کرده‌اند، اســـتدلال فاقد قربانی دانستن آن، نقش و سهم اصلی را داشته است. اما به هر حال تأثیر اومانیســـم و لیبرالیســـم را نیز در جرم‌زدایی نمی‌توان فراموش کرد. در مکتب اومانیسم انسان محور عالم اســـت و حق هرگونه لذت و تمتعی را دارا می‌باشد، به شرطی که تداخلی با منافع دیگران نداشـــته باشـــد؛ عمل هم‌جنس‌بازی نیز چنین است (شریفی خضارتی،۱۳۹۰، ص۷۶).

ج- هم‌خانگی: قرارداد هم‌خانگی به روابطی اطلاق می‌شود که بین دو بزرگســـال بدون ازدواج رسمی یا غیر رســـمی و بدون تمایل به ازدواج منعقد شده، زیرا یـــا هم‌جنس هســـتند یا قدرت بر ازدواج در شـــرایط حقوقی و رســـمی ندارند(Sanford, ۲۰۰۳, p ۱۱-۱۲). قرارداد هم‌خانگی بر اســـاس زمینه‌های موجود در جامعه که متمایل به درهم شکســـتن ازدواج بود، به رسمیت شناخته شـــد، زیرا تعداد افرادی که بدون ازدواج باهـــم زندگـــی می‌کردند، رو بـــه افزایش بود (Sendall, ۲۰۱۱, p ۹۱).

طبق قانون هم‌زیســـتی مشـــترک مدنی انگلستان (۲۰۰۴)، شـــرکای جنســـی می‌تواننـــد هم‌زیســـتی مشـــترک داشته باشـــند. میان هم‌جنس‌گرایان و غیر هم‌جنس‌گرایان در این مســـأله تفاوتـــی وجود ندارد (Gaffen-Rhys and others, ۲۰۱۱-۲۰۱۲, p۱۲). به هر صورت، بســـیاری از کشـــورهای اروپایی قوانینی را تصویب نموده‌اند که در آنها، هم‌زیســـتان و زوجین مزدوج در بهره بردن از حقوق برابرند و با آنان یکسان رفتار می‌شود (Herring, ۲۰۰۹, p ۸۸).

اما این در حالی اســـت که با افزایش هم‌خانگان در انگلستان، تعداد کودکان تولد یافته خارج از چارچوب ازدواج نیـــز افزایش یافته اســـت. اما قانـــون فرزندان ۱۹۸۹ تدبیری در این‌بـــاره ندارد و در عین حال، این امر مخالـــف با منفعت عالیه کودک اســـت. همچنین عدم وجود تکالیف والدینـــی خودکار برای پدران غیر مزدوج، مشکلات دیگری را نیز به وجود آورده است. به همین جهت در مارس ۱۹۹۸ دیپارتمان لرد چنســـلر، نظریه‌های مشـــورتی دراین‌باره چاپ نمود که در آن تکالیف والدینی خودکار بر عهـــده پدران مذکور قرار گرفت. اما باز هم مشـــکل در این‌باره حل نشد و دولت انگلســـتان دســـت به اصلاح قوانین زد (standly, ۲۰۰۱, p ۲۱۵).

آمارها در آمریکا نشـــان می‌دهد که تا سال ۲۰۰۰ زنان و مردانی که ازدواج ننموده (چه از هم‌جنس‌بازان یا غیر آنان) در طی ۱۰ ســـال گذشـــته، به ۷۲ درصد افزایش یافته اســـت. این آمارها نشان می‌دهد بیشتر مردم به هم‌خانگی به عنـــوان جایگزینی برای ازدواج نـــگاه می‌کنند. به هر صورت، ایـــن رویکرد در جامعه ســـبب پیدایش چالش در حقوق خانواده شـــده است. (luppino and others, ۲۰۰۸, p۱۱۳) در ایالت کالیفرنیا در سال ۲۰۰۳ قانونی برای به‌رسمیت شناختن هم‌خانگی به تصویب رسید.

باید دانست که همان‌طور که در انگلستان کودکان ناشی از این روابط با مسائل و مشکلات بسیاری روبرو هســـتند، در آمریکا نیز این کودکان دارای مشـــکلات عدیده‌ای هســـتند. مشکل اساســـی کودکان مذکور، مسأله نفقه و روابط نامین و شکننده آنان با والدینشان است. علاوه بر این، در این مشکلات، والدین نیز درگیر هستند، از جمله این‌که برای پدر، در روابطش با فرزند خـــود، ابهام وجود دارد. این ابهام به خاطر این اســـت که باید قانونی که این کودکان را مشروع بداند، وجود نـــدارد. در روابط هم‌خانگی اگر میان دو غیر هم‌جنس باشـــد، پدر بخواهد رابطه والدینی خود را با فرزندانش حفظ کند، بایـــد از طریق آزمایش DNA اقدام کند. هم‌چنین در هم‌خانگی میان دو هم‌جنس زن که یکی از آنـــان کودکی را به دنیا مـــی‌آورد، دیگری می‌تواند برای فرزندخواندگی یـــا قیمومیت طفل مذکور اقدام نمایـــد. علاوه بر این دو مـــورد، در هم‌خانگی میان دو هم‌جنس مرد، هر یک از این دو می‌توانند درخواســـت فرزندخواندگی دهند. البته رابطه فرزندخواندگی بسیار قوی‌تر از قیمومیت اســـت، زیرا در قیمومیت حق ارث وجود ندارد و با رسیدن کودک به بلوغ خاتمه می‌یابد. اما در فرزندخواندگی حق ارث وجود دارد و این رابطه به صـــورت مادام العمر میان والدیـــن و کودک برقرار است(Sanford, ۲۰۰۳, p ۱۶-۱۷)).

*محدثه معینی‌فر، کارشناس ارشد حقوق خانواده و دانشـــجوی دکتری فقـــه و مبانی حقوق اســـلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

ادامه دارد....

وظیفه و نقش اطرافیان نسبت به آینده من

خانواده و دوستان، مشاورانی دلسوز

هگمتانه، گروه ســـبک زندگی: پدر و مادر، خانواده و دوستان چقدر در آموزش و موفقیت فرد نقـــش دارند؟ این افـــراد چگونه می‌توانند با راهنمایـــی، آموزش و همراهـــی، فرد را در ایجاد بســـتر موفقیت یاری دهند؟ در اینجا به مهارت‌هایی که متولی آمـــوزش آن خانواده و دوستان هستند، خواهیم پرداخت.

میزان تأثیرگذاری خانواده و دوســـتان بر موفقیت فرد چقدر است؟

با توجه به اینکه قســـمت ویژه‌ای از زندگی هر فرد با خانواده و دوستانش طی می‌شود، میزان تأثیرگذاری بر فرد توسط ایشـــان به‌طور قابل ملاحظه‌ای بالاست. با توجه به میزان وقت مشترک که زمان بسیار بالایی است، توانمندی و مهارت‌هایی را لازم است که متولی آموزش آن خانواده و دوســـتان باشند. نکته دیگر که اهمیت دارد گســـتردگی زمان ارتباط در طول زندگی فرد است که از خردسالی تا نوجوانی را در برمی‌گیرد.

*وظایف خانواده و دوستان

اصلی‌ترین مسئله در مورد ارتباط خانواده و فرزند، وقت‌گذرانی خانواده برای فرزند می‌باشـــد؛ زیرا مسئله آموزش و تربیـــت در خانواده به صـــورت دورکاری و بدون وقت گذاری امکان‌پذیر نیست. یکی از مهم‌ترین مســـائل و وظایف خانواده و دوســـتان آموزش درست و زمان‌شناســـی نســـبت به زمان حال و آینده است. در ادامه با مواردی که آموزش آن‌ها بر عهده ایشـــان می‌باشند، آشنا شویم.

*آموزش در بستر خانواده و دوستان

خودمدیریتی، مهارتی است که خانواده می‌تواند با مسؤولیت ســـپاری به فرد، در بالا بردن سطح مهارت کمک شایانی کند.

ایجـــاد ارتبـــاط با دیگـــران، از مواردی اســـت که خاستگاه آن بســـتر خانواده اســـت زیرا فرد از زمانی که می‌تواند با دیگـــران ارتباط برقرار نماید، راهنمایی والدین است که راهگشای فرد است.

روش‌های درست استراحت و تمدد اعصاب، از دیگر مهارت‌هایی اســـت خانواده متولی آموزش ابتدایی آن است.

احساس، مســـئله‌ای اســـت که با مدیریت صحیح خانواده و دوستان می‌تواند به درستی شکل بگیرد و در زندگی شخصی و کاری فرد به‌طور مطلوب به کار آید.

هـــوش اجتماعی، از مواردی اســـت کـــه والدین و دوستان در شکوفا شـــدن و افزایش آن نقش بسزایی دارند. هوش اجتماعی از مواردی است که امروزه بسیار برای یافتن کارهایی با خصوصیت بهتر به کار می‌آید.

تفکـــر نو و وفق‌پذیری، نحوه تأمل کردن و پذیرش اجتماعی در ابتدا مسؤولیتش با خانواده است؛ زیرا این مســـئله از قبل از مدرسه و تحصیل نیاز دارد که به آن پرداخته شود.

تفکر ریاضی و الگوریتمی، این نوع تفکر که امروزه بســـیار پرارزش و مهم قلمداد می‌شـــود، می‌بایســـت مقدماتش توســـط خانواده برای فرزند طراحی و ایجاد گردد.

عطش دانش و دانستن، این خصوصیت به‌طورکلی در کودکی و خردســـالی هر فرد به نحوی وجود دارد، پروراندن و شـــاخ برگ دادن به آن از مواردی است که اگر خانواده با سهل‌انگاری از آن چشم‌پوشی نماید، در آینده ضررش را بسیار پرهزینه خواهد دید.

دانش ابزار دیجیتال، با رشـــد و پیشـــرفت روزانه فناوری، این فرآیند به شـــدت فراگیر شـــده اســـت و مشـــاهده می‌شـــود که در آینده‌ای نزدیک، ندانستن دانش اســـتفاده از این ابزار به کمبودی جدی برای هر فرد تبدیل خواهد شد.

مسؤولیت‌پذیری، از خردسالی و کودکی که فرد در خانواده حضور دارد با این مســـئله روبه‌روســـت و اگر خانواده این مسئله را، درست برنامه‌ریزی و اجرا نماید، طبیعتاً فرد در آینده از نعمتی برخوردار خواهد بود که یکی از چالش‌های زندگی امروزی است.

تعهد، این مهـــارت و توانمندی که بخش اعظم آن بر عهده خود فرد اســـت باید توســـط خانواده در فرد برانگیختـــه گردد. به عنوان مثال خانـــواده باید مانند شمع‌های موجود در ماشـــین استارت قضیه را بزند و این نیاز را در خود فرد روشن نماید. در ادامه خود فرد است که این مهارت را باید پر و بال بدهد.

متقاعـــد کردن دیگـــران: تعامـــل و متقاعد کردن دیگران از مواردی اســـت که اگر توسط خانواده تغییر مسیر داده نشود (لوس کردن فرزندان) به‌طور طبیعی رشد پیدا خواهد کرد، اما امان از خانواده‌های امروزی که با توجه بیش از حد بـــه فرزندان جلوی تبلور این مهارت می‌گیرند.

همدلی: همدلـــی و مهربانی و درک دیگران را فرد در ابتدا از خانواده و دوســـتانش می‌آموزد، یا دقیق‌تر اگـــر بیان کنیم، از رفتاری کـــه اطرافیانش با او دارند الگوبـــرداری می‌کنـــد؛ بنابراین اولیـــن محلی که فرد همدلـــی را مشـــاهده می‌نماید، در خانـــواده و همراه دوست